



تأثير نگاه عرفانی مولانا در آثار والت ویتمن با رویکرد و مطالعه ادبیات تطبیقی

PROF. DR. GHADIR GOLKARIAN *

ÖZ

Tasavvuf, İslami literatürde ele alınan içsel, mistik veya manevi boyuttur. Bununla birlikte, birçok fıkıh âlimi, tasavvufun İslam aleminin dışında olduğuna inanmaktadır ve İslam dininden türeyen bazı mezheplerde tasavvufa karşı çıkmaktadır. Bu nedenle, tasavvuf mektebinde yıllarca süren bilimsel ve tasavvufi tartışmalardan, uzmanlaşmış ve araştırmacı yaklaşımlardan sonra, tasavvufun kaynağı konusunda din alimleri ve sufiler arasında anlaşmazlık sürmekteydi. Bu konu İslam dünyası ile ilgili olmakla birlikte, Mevlânâ'nın düşüncesinin etkilerinin görüldüğü bazı İslam dışı ya da Batılı edebiyat türlerinde İslam ülkeleri ile benzer görüş ve yaklaşımlarla iç içe girmiş işaretler mevcuttur.

Geleneksel görüş, tasavvufu İslam'ın mistik okulu ve başlangıcını ise Hz. Muhammed'in hayatından sonraki ilk yüzyıllar olarak kabul eder. Ancak bir başka görüş, İslam öncesi tasavvufun köklerini mutasavvıflar, mektepler, tekke ve manastırlar aracılığıyla saymakta ve tasavvufun zamanla bazı İslami görüşlerle, özellikle varlığın ve insanın sırrını bilme, kurtuluşa doğru insanlığın hidayeti ile ortak noktalara sahip olduğuna ve tasavvufi tabirdeki "insan-ı kamil" in İslami bir nitelik kazanabildiğine ve İslami verilerle ilerlemeyi başarabildiğine inanmaktadır. Bu nedenle İslam sonrası tasavvufun yapısı İslam'ın bünyesinde ele alınmakta ve "İslami Tasavvuf" olarak tanıtılmaktadır.

* PROF. DR. GHADIR GOLKARIAN, Yakın Doğu Üniversitesi, Edebiyat Fakültesi, Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü Öğretim üyesi; Near East University, Faculty of Letters, Department of Turkish Language and Literature, Email: ghadir.golkarian@neu.edu.tr, Orcid ID: 0000-0003-3801-7089 (Makale Geliş Tarihi: 17.05.2021/Kabul Tarihi: 02.08.2021).

Sufi kelimesi Farsçadan türetilmiştir, bilgeliğin kaynağı anlamına gelir ve bilgelik nihai güç olarak tanıtılır. Makalede yapılan araştırma, Mevlânâ'nın eserlerindeki bu kavramı ve Batılı yazar ve şairler, özellikle de Amerikalı şair ve yazar Walter Whitman (1819-1892) üzerindeki etkisini incelemeyi amaçlamaktadır. Bu makalede Whitman'ın Mevlânâ'dan nasıl ilham aldığı ve şiirlerinde tasavvufun habercisi olduğu gösterilmeye çalışılmıştır. Bu derin şiirler, tasavvufi maneviyatı, tasavvufi aşkın manevi hallerini ve vahdet-i vücudu sembolik ifadelerle ortaya koymaktadır. Mevlânâ, tasavvufun ve tasavvufi yolculuğun mensur eserlerde ulaşılamayan yönlerini tarif ettiği gibi, Walter Whitman da İslami edebiyattan farklı olmakla birlikte aynı tarzı Batı edebiyatında sergilemektedir. Bu araştırma literatürle karşılaştırmalı bir bakış açısına sahip olup, analitik-betimleyici bir şekilde ifade edilmiştir.

Anahtar Kelimeler: Mevlânâ, Walter Whitman, Karşılaştırmalı Edebiyat, Tasavvuf

ABSTRACT

Sufism is the inner, mystical, or spiritual dimension that is addressed in Islamic literature. However, many scholars of the principles of jurisprudence believe that Sufism is outside the realm of Islam and is opposed to Sufism in some religions derived from Islam. Therefore, after years of scientific and mystical debates and specialized and exploratory approaches in the school of Sufism, there is still disagreement among religious scholars and Sufis about the origin of Sufism. Although this issue is related to the Islamic world, however, in some non-Islamic or Western kinds of literature in which there are signs of the influence of Rumi's thought, there are signs of similar views and approaches similar to Islamic countries.

The traditional view of Sufism is the mystical school of Islam and its beginnings in the first centuries after the life of Prophet Mohammad (PBUH); However, another view enumerates the roots of pre-Islamic Sufism through mystics, schools, dervish lodge, and monasteries, and believes that Sufism over time, having commonalities with some Islamic views, especially the knowledge of the mystery of existence and man and guidance. Humanity towards salvation and, in the words of Sufism, "perfect man" has been able to take on an Islamic nature and progress with

Islamic data. For this reason, the structure of post-Islamic Sufism is considered in the body of Islam, and it is introduced as "Islamic Sufism."

The word Sufi is derived from Persian and means the source of wisdom, and wisdom is introduced as the ultimate power. The study examines this concept in Rumi's works and its influence on Western writers and poets, especially Walter Whitman (1819-1892), an American poet and writer. This article shows how Whitman was inspired by Rumi and was a messenger of Sufism in his poetry. These deep poems reveal Sufi spirituality, the inner states of mystical love, and the unity of existence through symbolic expressions. Just as Rumi describes aspects of Sufism and the journey to Sufism that are inaccessible in prose writings, Walter Whitman exhibits the same behavior despite being different from Islamic literature in Western literature. This research has a comparative look between the literature and is expressed in an analytical-descriptive manner.

Keywords: Rumi, Walter Whitman, Comparative Literature, Sufism

چکیده

تصوف، بعد درونی، عرفانی یا روحی - معنوی است که در ادبیات اسلامی بدان پرداخته میشود. با این حال، بسیاری از محققان اصول فقه معتقدند که تصوف خارج از حوزه اسلام بوده و در برخی از مذاهب برگرفته از دین اسلام با تصوف سر مخالفت دارد. بنابراین با گذشت سالها مجادله و مباحثه علمی و عرفانی و همچنین رویکردهای تخصصی و تفحصی در مکتب تصوف، هنوز هم در مورد خاستگاه تصوف در میان علمای دین و صوفیان اختلاف نظر وجود داشته است. هر چند این موضوع به دنیای اسلام مربوط می شود ولی با اینحال در برخی از ادبیات غیر اسلامی و یا غربی که نشانه های تأثیر گذاری اندیشه مولانا در آنها دیده میشود، نشانه هایی از تداخل دیدگاهی و رویکردی همسان با کشورهای اسلامی دیده می شود.

دیدگاه سنتی تصوف را مکتب عرفانی اسلام و آغازین آن در قرون اول پس از زندگی حضرت محمد (ص) می داند؛ حال آنکه، دیدگاه دیگری ریشه های تصوف پیش از اسلام را از طریق عرفا و مکاتب و زوایا و خانقاهها بر شمرده و بر این باورند که تصوف به مرور

زمان با داشتن وجوه مشترک با برخی از دیدگاههای اسلامی به ویژه شناخت راز هستی و انسان و هدایت بشر به سمت رستگاری و در قول تصوف "انسان کامل" توانسته است ماهیت اسلامی به خود بگیرد و با داده های اسلامی مترقی شود. به همین خاطر شاکله تصوف بعد از اسلام را در تنه دین اسلام دانسته و آن را به نام "تصوف اسلامی" معرفی می کنند.

کلمه صوفی از فارسی گرفته شده و به معنای سرچشمه خرد بوده و خرد، نهایت قدرت معرفی می شود. بررسی انجام گرفته در مقاله سعی دارد این مفهوم را در آثار مولانا و تأثیر آن بر نویسندگان و شاعران غربی، به ویژه والت ویتمن (۱۸۹۲-۱۸۱۹)، شاعر و نویسنده آمریکایی بررسی کند. در این مقاله سعی شده نشان داده شود که ویتمن چگونه از مولوی الهام گرفته و در شعر خود پیام آور تصوف بوده است. این اشعار عمیق معنویت صوفیانه، حالات درونی عشق عرفانی و وحدت وجود را از طریق عبارات نمادین آشکار می کنند. همانگونه که مولانا جنبه هایی از تصوف و سفر در مسیر صوفیه را که در نوشته های منشور غیرقابل دسترسی است، بیان می کند، والت ویتمن نیز همان سلوک را علیرغم متفاوت گونه بودن با ادبیات اسلامی در ادبیات غرب به نمایش می گذارد. این تحقیق نگاهی تطبیقی بین ادبیات دارد و به شیوه تحلیلی - توصیفی بیان شده است.

کلید واژه ها: مولانا، والت ویتمن، ادبیات تطبیقی، تصوف

مقدمه

همانطور که عمیقتر به درون بینی جامعه بشری توجه می کنیم، آنچه بیش از همه جلب توجه می کند، تلاش وافر انسان خاکی به سوی درک و شناخت از روح خود و یا جستجوی روح متعالی است. این سیر معنوی و همراه با تلاش فیزیکی مختص انسانهای شرقی و یا با ایمان نیست؛ بلکه در جهان غرب و ادبیات متحول شده دنیای غرب نیز چنین خط سیری را میتوان درک کرد. به طوری که والت ویتمن^۱، نویسنده، شاعر و

¹ Walter Whitman (1819- 1892)

قهرمان دموکراسی سده نوزدهم میلادی در ایالات متحده در زمانی که به شدت در ایالات متحده نیاز به الهامات معنوی بود، با نگاهی عمیق به روح معنوی در اندیشه مولانا توانست زندگی معنوی پیدا کرده و نگاهی نوین به مسایل دینی و به ویژه اسلام داشته باشد.

ناگفته پیداست که بسیاری از انسانها در کشورهای دیگر نیاز فوری به تغییر روحی و معنوی جهت تعالی شخصیتی و حداقل آرامش لازم و تأمل در خود و محیط اطراف پیدا می کنند. والت ویتمن به عنوان فردی آمریکایی تبار بسیار فراتر از مرزهای جسمی به شناخت حقایق خلقت و درک تازه ای از فلسفه آفرینش، هدف از خلقت، زیستن، به دنیای دیگر پا نهادن و جهان باقی پیدا کرد که در فرهنگ غربی چندان به آنها پرداخته نشده است. او از شعر مولانا، "از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود... به کجا می روم آخر؛ نمایی وطنم" توانست به عنوان یک آمریکایی سهم ویژه ای در شناسایی انسان و مفهوم آفرینش و زیستن را برای بشریت در قرن نوزدهم ارائه دهد و فضای فرهنگ معنوی نوینی را برای جامعه پر آشوب آن زمان در قاره آمریکا فراهم بیاورد. این آمریکایی بسان قلب تپنده ای است که ضمن توجه به امکانات گسترده فیزیکی، دلسوزانه به پرورش درون انسان متعهد است.

والت ویتمن و الهام از مولانا

از نظر نویسندگان استعلایی مانند رالف والدو امرسون^۲، نویسنده "پدر نامه های آمریکایی" و والت ویتمن، شاعر برجسته آمریکایی، معتقد بودند که اصول دموکراتیک بر اساس یک تجربه وحدت الهی بنیان نهاده شده اند که همه آفرینش را فرا گرفته است. آنها با الهام از سنت های معنوی شرقی، از جمله اسلام، نگاهی تازه در رابطه با فلسفه خلقت، منش در زندگی، درک شرایط چگونه زیستن و چگونه مردن را کسب کرده و در اشعار و نوشته های خود به دیگران ارائه دادند. والدو امرسون، به عنوان مقاله نویس، مدرس، فیلسوف و شاعر آمریکایی که جنبش استعلایی را در اواسط قرن ۱۹ رهبری کرد به عنوان قهرمان فردگرایی و یک منتقد پیشرو در برابر فشارهای مخالف جامعه شناخته شد و توانست با تأثیر پذیری از سنتهای معنوی شرقی به ویژه دین اسلام و نگاهی به عمق نگرش فلسفی مولانا در اثر مثنوی معنوی و حتی دیوان شمس، افکار خود را از

² Ralph Waldo Emerson (1803-1882)

طریق ده ها مقاله منتشر کرده و بیش از ۱۵۰۰ سخنرانی عمومی در سراسر ایالات متحده ارائه دهد. امرسون با تحسین از حضرت محمد(ص) بارها در مقالاتش نوشته است که انسان بدون درک معنای خلقت و ناآگاهی به اینکه در روی چه پاره خطی و برای چه حرکت می کند، به مانند سایه ای بی معنی است که نمود عینی ندارد. نشانه های فیزیکی انسانی به مانند سایه ای است که تنها با وجود روشناییها ظاهر میشود. ولی معنویت خود به مانند نوری است که نیازی به چیزی نداشته و با ابهت تمام واقعیت و موجودیت خود را نشان میدهد. او برای درک معنویت موجود در اسلام به مقالات و آثار با ارزش توجه کرده و از شعر فارسی الهام گرفته بود.

در مورد والت ویتمن که همفکر و همگام اندیشه وی بود در شعری که در اواخر زندگی خود به نام "یک درس فارسی" نوشت، تصویری معنادار از "صوفی ریش خاکستری" ارائه داد که برای پیروانش در خصوص تصوف توضیح داده و به نهایت اینگونه توضیح میدهد... (Dyer, 2018)

خدا همه است، همه، همه! - در هر بعدی از زندگی وجود دارد و شیئی ماندگار است،

ممکن است در بسیاری از موارد محسوس نباشد - اما الله، الله، الله آنجاست.^۳

نگاهی به بزرگترین شعر ویتمن، تحت عنوان "آواز خودم"، درک کاملی از رابطه وی با اسلام عرفانی مشاهده میشود. برای ویتمن، برابری میان انسانها زمانی محقق میشود که انسانها به خود آگاهی واقعی رسیده باشند. خود منبسط بودن را تجربه کنند. یعنی بدانند که وجود، ابهت، احتشام، قدرت، توان مادی و امثال اینها برای انسان اهمیت وافر ندارند و تنها حلقه ای از زنجیر اسارت انسان در روی زمین است و انسان خود شیفته، خود بین، خود اندیش، خودخواه، متکبر و مغرور در کالبدش به اسارت دنیای فانی در می آید. (Fayez, 2016) ویتمن در شعری با درک علم شهود سروده ای زیبایی را ارائه میدهد که میتواند دریافت او نیز بسان خیلی از انسانهای والا در ادبیات معنوی شرقی همچون منصور حلاج، نسیمی توانسته است برای دیدن خود و دیگران در درون خود، خداوند بزرگ را شاهد باشد. در واقع، اگر اغراق نباشد او نیز به عنوان شهید شاهد در ادبیات آمریکایی به

³ Allah is all, all, all - is immanent in every life and object,
May-be at many and many-a-more removes - yet Allah, Allah is there.

شمار می‌رود. ویتمن معنای زندگی را همسان یونس امره، مولانا، در عشق به انسانها و هر آنچه مخلوق خداوندی است می‌شمارد. برای در آغوش گرفتن دیگران در درون خود عشق الهی را تقویت می‌بخشد و اولوهیت را بزرگترین شاه کلید و موثرترین نغمه خلقت می‌شمارد که میتوان با کلمه "یاهو" و به عبارت انگلیسی "یهوه" در درون خود به خداوند رسید. او بدین سان بزرگترین شاعر قرن نوزدهم و هم اندیش مولانا در درک توحید محسوب میشود.

از اشعار والیت ویتمن میتوان درک کرد که وی به خوبی احساس وحدت را تجربه کرده است و با آن احساس فوق العاده ای از تحمل آلام شکایت نکرده و مفهوم آزادی را نه در کسب امکانات و فرصتهای دنیوی که در وجد و حال وجود، ارتقای اعتماد به نفس پرشور و عشق به هر آنچه آفریده شده و با خشنودی مخلوقات درک از خرسندی الهی میداند. خط سیر فکری وی را در اشعاری از نسخه منتشر شده در سال ۱۸۵۵ میتوان درک کرد: (Whitman, 1973)

من خودم را پاس میدارم و جشن می‌گیرم،

و آنچه من فرض می‌کنم شما هم باید فرض کنید،

برای هر اتمی که متعلق به من است همانطور که خوب متعلق به شماست.^۴

گویی ویتمن این دعوت شادمانه مولانا را که در آن از انسان به عنوان "قطره" توصیف کرده، اجابت میکند تا با "اقیانوس" یکی شود. مولانا در ابیات زیر می‌گوید: (Rumi, 2011)

قطرهٔ دل را یکی گوهر فتاد

کان به دریاها و گردونها نداد

چند صورت آخر ای صورت پرست

جان بی‌معنیت از صورت نرست

⁴ I celebrate myself,
And what I assume you shall assume,
For every atom belonging to me as good belongs to you.

گر بصورت آدمی انسان بدی
احمد و بوجهل خود یکسان بدی
نقش بر دیوار مثل آدمست
بنگر از صورت چه چیز او کمست
جان کمست آن صورت با تاب را
رو بجو آن گوهر کم‌یاب را

و والت ویتمن از صمیم قلب چنین آموزه ای را پذیرفته و می گوید: (Whitman, Leaves of Grass, 1886)

گوش کن، قطره! بدون پشیمانی خود را رها کن،
و در عوض اقیانوس را بدست آور.
گوش کن، قطره! این افتخار را به خودت عطا کن،
و در آغوش دریا امن باش.
واقعاً چه کسی باید اینقدر خوش شانس باشد؟
یک اقیانوس یک قطره را فریب می دهد!
به نام خدا، به نام خدا، یک باره بفروشید و بخرید!
یک قطره بدهید و این دریا را پر از مروارید بگیرید.^۵

⁵ Listen, O drop, give yourself up without regret,
and in exchange gain the Ocean.
Listen, O drop, bestow upon yourself this honor,
and in the arms of the Sea be secure.
Who indeed should be so fortunate?
An Ocean wooing a drop!
In God's name, in God's name, sell and buy at once!
Give a drop, and take this Sea full of pearls.

معنویت ویتمن فاقد دینداری محض است. او علاقه ای به خرافه پرستی، تجاهل، تفکر ارتجاعی یا تبدیل شدن به "دیگری" ندارد؛ بلکه این است که به عنوان شاهدی صادقانه از واقعیت الهی با تمام تنوع گیج کننده و زیبا را پیش روی خواننده اشعارش قرار می دهد. او میخواهد ثابت کند که عشق به خود، عشق به همه است. عشق به همه، اوج عشق به خداوند محسوب میشود. او با صراحت جذاب به ما می گوید:

من خدا را در هر چیزی می شنوم و می بینم؛ اما خدا را کمترین درک نمی کنم،
و همچنین نمی فهمم که چه کسی می تواند از خودم فوق العاده تر باشد.
چرا آرزو دارم خدا را بهتر از این روز ببینم؟
من هر ساعت از ساعت بیست و چهار و هر لحظه چیزی از خدا می بینم،
من در چهره های زن و مرد خدا را می بینم، و در چهره خودم انعکاسی از صورت او
را.

نامه های خدا را در خیابان می بینم، که همه با نام خدا امضا می شوند،
و آنها را در همان جایی که هستم رها می کنم، زیرا می دانم که دیگران به طور
جاودانه برای همیشه و همیشه خواهند آمد.⁶
چنین ابیاتی از والیت ویتمن را میتوان برگرفته و الهام یافته از اشعار مولانا دانست که
غزل دوم دیوان شمس آورده است:

بر اهل معنی شد سخن اجمالها تفصیلها
بر اهل صورت شد سخن تفصیلها اجمالها

⁶ I hear and behold God in every object, yet I understand God not in the least,
Nor do I understand who there can be more wonderful than myself.
Why should I wish to see God better than this day?
I see something of God each hour of the twenty-four, and each moment then,
In the faces of men and women I see God, and in my own face in the glass;
I find letters from God dropped in the street, and every one is signed by God's
name,
And I leave them where they are, for I know that others will punctually come fo-
rever and ever.

گر شعرها گفتند پر پر به بود دریا ز در

کز ذوق شعر آخر شتر خوش می کشد ترحالها

ویتمن از شخصی به شخص دیگر نقل مکان می کند و به عبارتی در اشعارش به صورت خطابه عمل نمی کند و همان شیوه ای را که مولانا در آثارش ترجیح داده و سعی کرده است انسان را به تدقیق، تفحص، استنتاج برساند، ویتمن هم همین شیوه را در اشعارش بکار گرفته است. او، شهادت و زیبایی اساسی حقایق را گواهی می دهد. از "غلام شکار شده" تا "رئیس جمهور مغرور". در نگاه او هیچ کس نباید در مذاقه کنار گذاشته شود. او طرفدار "پیر و جوان"، "نادان و خردمند"، "زن و مرد" است و حلقه او هرچه بیشتر و وسیعتر می شود، شکلی از نگاه جهانی و کائناتی به خود می گیرد. تا جایی که والت ویتمن، نه به عنوان یک آمریکایی، بلکه پدیده ای از کائنات دست به استدلال می زند. زیرا او سعی دارد بفهماند که افراد و پدیده ها از او جدا نیستند بلکه بخشی از یک روح هستند. او ابراز می دارد که: "از نظر من جهان، پدیده ای آگاه و نمونه ای وسیع از راز خلقت است. همان اندازه که جهان پیچیده است و با پیچیدگی وصف ناپذیرش نتایجی حاصل از علت و معلولی ظاهر می سازد؛ من هم خودم جهانی همسان با آن هستم و با پیچیدگی هایش. نگاهم به خود و نتیجه گیری رابطه علت و معلولی، همسان با نگاه ما به جهان است." این نگرش را می توان در این سطور دید که گفته است: (Whitman, *Leaves of Grass*, 1886)

شما روح زندگی هستید و ما مثل دست و پا هستیم.

روح باعث بسته و باز شدن دست می شود.

شما باهوش هستید؛ ما صدای شما هستیم.

هوش شما باعث صحبت این زبان می شود.

شما خوشحال هستید و ما می خندیم ،

زیرا ما نتیجه برکت شادی شما هستیم.

تمام حرکت ما واقعاً یک حرفه مستمر ایمان است،

شهادت بر قدرت ابدی خود،

درست همانطور که چرخش قدرتمند سنگ آسیاب اعتقاد به وجود رودخانه دارد.

گرد و غبار بر سر من و استعاره های من قرار می گیرد،

زیرا شما فراتر از هر چیزی هستید که بتوانیم فکر کنیم یا بگوییم.

و با این حال ، این بنده نمی تواند تلاش برای بیان زیبایی شما را متوقف کند،

در هر لحظه ، بگذار روح من فرش تو باشد.⁷

این نوع طرز تفکر را میتوان همسو با فرمایش الهی در سوره نساء، آیه ۱۷۴ دید که می فرماید: " ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم "

نگاه ویتمن به راز خلقت و وجود هر پدیده ای به عنوان برهانی از قدرت الهی در حقیقت انعکاسی از قرآن است و شنید که خداوند از دمیدن روح خود بر انسان بشارت میدهد. والیت ویتمن دقیقاً همسان با این تفکر می گوید: " و خلقت یا قیام شما راهی جز روح واحد نیست؟ " و همین نگرش مشابهتی با گفته مولانا در دفتر چهارم از مثنوی دارد که می گوید:

چون نماند خانه ها را قاعده

مؤمنان مانند نفس واحده

فرق و اشکالات آید زین مقال

⁷ You are the Spirit of life and we are like hand and foot.
Spirit causes the hand to close and open.
You are intelligence; we are Your voice.
Your intelligence causes this tongue to speak.
You are joy and we are laughter,
for we are the result of the blessing of Your joy.
All our movement is really a continual profession of faith,
bearing witness to Your eternal power,
just as the powerful turning of the millstone professes faith in the river's existence.
Dust settles upon my head and upon my metaphors,
for You are beyond anything we can ever think or say.
And yet, this servant cannot stop trying to express Your beauty,
in every moment, let my soul be Your carpet.

زانک نبود مثل این باشد مثال

بیشتر اشعار والیت ویتمن آمریکایی همسانی و همتایی با مولانا دارد و نشان میدهد که وی به شدت تحت تأثیر نگاه عرفانی مولانا قرار گرفته است. شاید تعجب آور نباشد که از اشعار مولوی به عنوان پر خواننده ترین شعرها در ایالات متحده یاد میشود و از دیدگاههای وی استقبال به عمل می آید. مولانا همان نفی گسترده دگماتیسم را بیان می کند که جهان امروز با آن در چالشی جدی است. او به ما می گوید: "دین واقعی، کار سرگردانی است. ما احساسی مشابه از ماندگاری خدا را در خلقت پیدا می کنیم. همراه با یک احساس گیج کننده از غیر قابل شناخت بودن متعالی خدا. از این رو تعریف خداوند بر حسب اظهارات دین نمیتواند معرف خدا باشد." والیت ویتمن با این توضیح در واقع به وحدانیت الهی اشاره کرده و از تثلیث خداوندی در دین مسیحیت به نوعی لاپوشانی ابراء میجوید. همانگونه که مولانا در دفتر اول، بخش ۲۲ می گوید:

عاقبت دیدن نباشد دستباف

ورنه کی بودی ز دینها اختلاف

تأثیر غیرمستقیم مولانا بر ویتمن

در مورد مسئله تأثیر مولانا بر ویتمن، به نظر می رسد منتقدان پاسخ قانع کننده ای در رد و یا پذیرفتن قطعی ارائه نداده اند. بطوریکه لرد استرانگفورد^۸ ادعا می کند که اثر زیبایی "برگهای چمن" والیت ویتمن، مانند ترجمه مثنوی به نظر می رسد و او آماده است تا مقایسه های چشمگیر بین این دو اثر را معرفی کند. اما در تلاش برای اثبات ادعای خود، مبنی بر اینکه ویتمن تحت تأثیر شاعر پارسی قرار گرفته است، به اندازه هر منتقد دیگری درمانده است. (Ford, 1987) با این حال فرزان حدس متفکرانه ای ارائه می دهد: (Farzan, 1974)

در حالی که اظهارات استرانگفورد بدون شک اغراق آمیز به نظر میرسد، هیچ دلیلی وجود ندارد که ویتمن با شاعران صوفیه ایران آشنایی نداشته باشد و از اندیشه و شعر آنها بسیار تأثیر پذیرفته باشد. روح شاعر خویشاوند و معاصر او، یعنی امرسون به شکلی بوده

⁸ Lord Strangford (1866)

است که نشان میدهد به صوفیان علاقه بسیاری داشته است. زیرا آثار آنها را به طور گسترده خوانده و درباره شان، به ویژه مولانا و همچنین شاعران حکیم ایرانی همچون سعدی و حافظ مطالب زیادی نوشته است.

هریس تورو^۹ یکی از شاعران آمریکایی در کتاب اشعار خود به نام "چهار نور خدا" (Lights 4 God) به درستی نشان میدهد که به صوفیان علاقه داشته است و در شناخت عرفان و حکمت علاوه از مولانا از گلستان سعدی نقل قول کرده است. (Lal Sharma, 2016) اشعار ویتمن در سال ۱۸۹۱ که به صورت کتابی تحت عنوان "یک درس فارسی" - که در اصل "یک درس صوفی" نامیده می شود - منتشر شد، در واقع بازتاب شگفت آور دقیق و الهام گرفته از ادبیات فارسی و به ویژه فرهنگ صوفی - عرفانی است. در این کتاب، مقوله تصوف که به صورت "یک درس فارسی" ذکر شده است، نه تنها یک قطعه الهام گرفته از صوفی را منعکس می کند، بلکه نگاه عرفانی مولانا نیز در آن به خوبی و قابل فهم برای فضای فکری - فرهنگی غرب توضیح داده میشود. همچنین شامل خطوطی است که به طرز شگفت انگیزی مکمل بسیاری از شعرهای مولوی است که مفهوم خود را از تکامل عرفانی دراماتیک گرفته است: (Whitman, Complete Poetry and Selected Prose, 1959)

حرکت هر اتم به سمت منشأ آن است.

یک مرد چیزی است که روی آن خم شده است.^{۱۰}

در جهان ما همانطور که گفته شد، پدیده ها بر وفق مقتضیات خود عمل می کنند. قرآن در این باره می گوید: "هر چیزی بر وفق شاکله و شخصیت خود عمل می کند."^{۱۱} و این اختصاص به پدیده های غیر جاندار ندارد. در جانداران هم همین طور است. در انسان هر فرد و جامعه ای بر وفق شاکله، شخصیت و مقتضای ذاتی و فکری خود عمل می کند. در انسان تنها تفاوت مربوط به تصمیم گیری و انتخاب اوست. به این علت، همه انسانها در برابر اعمالی که انجام می دهند، مسئول هستند. زیرا خود همه چیز را انتخاب

⁹ Harris Thoro (1873-1955)

¹⁰ The motion of every atom is towards its origin; A man comes to be the thing on which he is bent.

^{۱۱} قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ ، سوره اسراء، آیه ۸۴

کرده اند. علت اتخاذ تصمیماتشان به درون آنها مربوط میشود. اگر عزت و یا ذلتی را تجربه می کنند، خودشان در برابر آن شرایط مسئولیت دارند. فشارهای بیرونی تنها ابزار و وسیله هستند. والت ویتمن با نگرشی همسان در بیت فوق به همین موضوع که با فرهنگ قرآنی و اسلامی انطباق دارد، اشاره کرده است.

آیا والت ویتمن صوفی است؟

جسورانه خواهد بود که والت ویتمن را صوفی بنامیم. صلاحیتی که بسیاری از منتقدان شعر غرب و ادبیات آمریکایی با دیده تردید به آن می نگرند. با اینحال گرایش ویتمن به سنتهای متنوع عرفانی، معنوی و فلسفی جهان و به ویژه تصوف مکتب مولویه باعث شده است که احساس نیکی در رابطه با تمایل و صوفی مشرب بودن وی به انسان دست دهد. حتی به گونه ای است که غالب محققان فلسفه و عرفان هند به این نتیجه رسیده اند که اظهارات وی در کتاب "یک درس فارسی" تا حدود زیادی به آیات ماهاباراتای هندوها شباهت دارد. هندوها به دلیل شباهتهای نگرشی ویتمن با مفاهیم کتاب اسطوره ای ماهاباراتا، وی را تداعی کننده ریگ ودا^{۱۲} و روح ویرات^{۱۳} می شمارند که چهارصد سال قبل از میلاد در هندوستان می زیسته است. (Lal Sharma, 2016)

لحن و گفتار والت ویتمن در اشعارش به لحاظ محتوایی و روح فلسفی نشانگر نزدیکی تاریخی تفکر ویتمن به اساتید صوفیه است. اما این به منزله صوفی و تصوف مسلک بودن ویتمن نمی تواند تلقی گردد. هر چند او ماهیت دیدگاه عرفانی نزدیک به مولانا را در انتشار کتاب "برگهای چمن" در سال ۱۸۵۵ آشکار کرده است ولی این به مثابه واقعیتی نیست که مورد توجه قرار گرفته باشد.

فرضیه اصلی تصوف این است که ذات الهی در جانداران و همچنین اشیای بی جان این جهان نفوذ کند. در مورد ماوراالطبیعه نیز چنین است که معتقد به "وحدت اساسی همه آفرینش ها" است و یا به عبارتی دیدگاه وحدت وجود است.

^{۱۲} ریگ ودا به معنای نیایشهاست که به عنوان یکی از چهار کتاب مقدس هندوهاست که در قالب ودا جای گرفته است.
^{۱۳} ویرات به معنای بسیار بزرگ است که نام پادشاهی به نام ماتای بوده است و پادشاهی ویرات را بر عهده داشت. افسانه آن در کتاب ماهاباراتا ذکر شده است.

شعرهایی که ویتمن در ابتدا نوشت ، "آواز خودم" ، "آواز جاده باز" و "خود من آواز می خوانم" ، مسلماً علاوه بر اینکه از نظر روحی استعلایی است، شخصیت صوفیانه آشکاری از شعور خلاق خود را نیز به نمایش می گذارد.

ویتمن بصیرت زیادی در مورد تصوف داشت؛ زیرا در سطر سطر اشعار خود به صراحت مفهوم صوفیانه توحید را نشان می دهد که از "توحید" و "اولوهیت" سخن به میان می آورد. از آموزه خدا به عنوان یک واقعیت واحد یاد می کند. از نظر شخصیت دهی به خداوند و جهان هستی بر پایه "وحدت وجود" بحث می کند. به مانند صوفیان از عناصر اربعه و انواع مختلف مواد در ظاهر شدن جهان هستی مطالبی را ذکر می نماید. (Khosla, 1987) همانطور که ویتمن در مورد ماندگاری خدا در هر جنبه از خلقت می نویسد و از "یکپارچگی / یگانگی / وحدت وجود" بحث به میان میکشد، به اشکال مختلف تفکر صوفیانه اش را بروز می دهد.

نتیجه:

مروری بر اطلاعات موجود در رابطه با اشعار والت ویتمن و توجه وی به میراث شعر پارسی و به ویژه اشعار مولانا حاکی از آن است که تفکر و اندیشه فلسفی و عرفانی و روح صوفیانه مولانا در شاعر بلند آوازه آمریکایی قرن نوزدهم تأثیر بسزایی گذاشته است. به طوری که والت ویتمن علاوه بر پرداختن به مهمترین دغدغه های تفکر صوفیه، تفاوت نگاه میان فرهنگ غربی و شرقی را با توسل جستن به نگاه عرفانی به حداقل میرساند. شاعران پارسی با همتایان ترک ، یونانی و رومی خود در اعصار گذشته همانطور که بر سایر ادبیات تأثیر متناهی داشته اند، بر فرهنگ ادبیات آمریکایی نیز اثرگذار بوده اند. توجه به ادبیات تطبیقی و کنکاش در سطور ادبیات شعری و نثری در فرهنگ غرب نشان میدهد که روح معنوی موجود در ادبیات جهان شرق و به ویژه فارسی توانسته است بزرگترین دلیل عظمت شعر فارسی را متجلی سازد. اشعار مولانا در عین حالیکه دارای محتوا و روح معنوی و عرفانی است ولی تأثیر گذاری وی بر شخصیت‌های مختلف ادبیات ملل به ویژه والت ویتمن نشان از داشتن روح "ملی" اشعار مولانا در دیوان شمس و یا مثنوی معنوی است.

دلیل موفقیت اشعار و محتوای قالب منظوم در ادبیات کهن این است که شاعران آن دوره در ساختن ادبیات همه گیر سعی نبوده اند بلکه در تلاش بوده اند تا اشعاری را بسرایند که در بطن خود درسهایی برای دوره خود و آیندگان داشته باشد و همین امر موجب تحسین کار شاعران بزرگ پارسی گوی مانند حافظ، فردوسی و سعدی شده و بیش از همه در زمینه عرفان هم مولانا همیشه جاویدان ماده است. مولانا شاعری بود که خود را اسیر هجاها یا قافیه های مختلف نکرد، بلکه شخصیتی بود که احساس شاعرانه اش با روح معنوی وی سازگار بوده است. همین امر موجب شده است که مولانا در تأثیر گذاری بر ادبیات سایر ملل همیشه موفق تر باشد و نامش جاودانه ماند.

بنابراین، همین روح تصوفی توانسته است قدرتمندانه بر ویتمن تأثیر گذارد. ویتمن ذات عرفان را در طی دهه ۱۸۴۰ درک کرد و همانطور که نمونه هایی از اشعار وی بیان شد، در کتاب معروفش به نام "یک درس فارسی" که یکسال قبل از مرگش به چاپ رسیده است نشان میدهد وی در واپسین دوران حیاتش روز به روز بر عظمت روح معنوی عرفان و حکمت بر فلسفه تصوفی پی برده است. مسلماً آگاهی و خلاقیت ویتمن به میزان قابل توجهی مدیون اندیشه صوفیانه است و در انتخاب مضامین شعری وی و برخورد شاعرانه اش در اشعاری مانند "آواز خودم"، "آواز راه باز" و غیره مشهود می باشد.

KAYNAKÇA

- Dyer, T. D. (2018). America of the Heart: Whitman and Rumi. Retrieved from [www.rumiscircle.com](https://rumiscircle.com): <https://rumiscircle.com/2017/01/27/america-of-the-heart-whitman-and-rumi/>
- Farzan, M. (1974). Whitman and Sufism: Towards "A Persian Lesson". *American Literature*, 47(4), 572-582. doi:<https://doi.org/10.2307/2924837>
- Fayez, G. M. (2016). *Mystic Ideas And Images In Jalal Al-Din Rumi*. Arizona: The University of Arizona Press. Retrieved 3 19, 2021, from <http://hdl.handle.net/10150/298459>
- Ford, A. L. (1987). "The Rose-Gardens of the World: Near East Imagery in the Poetry of Walt Whitman". *Walt Whitman Quarterly Review*, 5(3), 17-18.

- Khosla, K. (1987). *The Sufism of Rumi*. London: Dorset, Elements Books.
- Lal Sharma, R. (2016). *Walt Whitman and Sufism*. *Spring Magazine on English Literature*, 2(2), 39-43. Retrieved 3 21, 2021, from <http://springmagazine.net/V2/n2/v2n208.pdf>
- Rumi, J.-e. M. (2011). *The Rumi Daybook*, "Mathnawi I." 365 Poems (Vol. 1). (K. & Helminiski, Ed.) Berlin: Amazon.
- Whitman, W. (1886). *Leaves of Grass*. London, UK: New Castle On Tyne. Retrieved from https://books.google.com.cy/books?id=P0IoCc730BEC&pg=PR1&source=kp_read_button&redir_esc=y#v=onepage&q&f=false
- Whitman, W. (1959). *Complete Poetry and Selected Prose*. (J. E. Miller, Ed.) Boston: Houghton Mifflin Company.
- Whitman, W. (1973). *Song of Myself (4 ed.)*. Philadelphia: Materbooks.